

The effect of popular culture and traditions on the architecture of Safavid and Ottoman bathhouses¹

Zahra Babaei², Jamaledin Soheili³, Sheida Khansari⁴

Abstract

Throughout history, historical structures have played a significant role in identifying the culture and customs of various civilizations. Among these structures, bathhouses were spaces with diverse functions that had a profound impact on understanding the culture and architecture of different eras. Therefore, examining the architecture of bathhouses seems to reflect the extent to which popular culture and traditions influenced the formation of these structures, and the significance of the present study lies in exploring this topic. In this regard, it can be stated that since the Safavid period was the most brilliant era in the history of the Iranian architecture, and alongside this grandeur, the design and construction of bathhouses reached their peak, and on the other hand, given that the Ottomans shared many religious and ritual commonalities with the Safavid Iran, the authors of this article, using a historical-interpretive method, examined the bilateral

1. This article is derived from the doctoral dissertation of the student entitled " The effect of popular culture and traditions on the architecture of Safavid and Ottoman bathhouses " at Islamic Azad University, Qazvin Branch.

2. PhD Researcher, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. babaei.architect@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author) soheili@qiau.ac.ir

4. Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. sheidakhansari@yahoo.com

Received: Jan 12, 2025 - Accepted: March 18, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

relationship between the architecture of Safavid and Ottoman bathhouses and the influence of popular culture and traditions on them. Accordingly, the following questions were addressed: How did culture and popular traditions influence the architecture of Safavid and Ottoman bathhouses? What differences and similarities exist between Safavid and Ottoman bathhouse architectures in terms of the influence of popular culture and traditions? The findings indicate that in the Ottoman Empire, the cultural focus was primarily on the spatial arrangement of the men's and women's sections, whereas in the Safavid Empire, religious considerations took precedence over the spatial and structural layout of the bathhouses and the spatial organization and decorations were more aligned with addressing the spiritual needs of humans.

Keywords: Bathroom architecture, Safavid bathhouses, Ottoman bathhouses, Culture, Popular traditions, cultural effects, Islamic architecture.

تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی^۱

زهرآبایی^۲، جمال‌الدین سهیلی^۳، شیدا خوانساری^۴

چکیده

سازه‌های تاریخی نقشی مهم در شناسایی فرهنگ و آداب و رسوم تمدن‌های مختلف داشته‌اند؛ در میان این سازه‌ها، حمام مکانی با کاربری‌های متفاوت بود که تأثیری مهم در شناسایی فرهنگ و معماری ادوار مختلف داشت؛ از این رو، به نظر می‌رسد بررسی معماری حمام‌ها نشان‌دهنده میزان تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه در نوع شکل‌گیری این سازه‌هاست و این پژوهش با بررسی این موضوع اهمیت می‌یابد. در این راستا می‌توان گفت از آنجا که از یک سو دوره صفویه درخشان‌ترین دوره تاریخ معماری ایران بوده و هم‌پای این شکوه و عظمت، طراحی و ساخت گرمابه‌ها به اوج خود رسیده است و از سوی دیگر با توجه به اینکه عثمانی با ایران دوره صفوی از نظر دین و آیین، اشتراکات بسیاری داشت، نگارندگان این پژوهش با روش تاریخی-تفسیری این ارتباط دوسویه میان معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی و تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه بر آن‌ها را بررسی کرده و به این سؤالات پاسخ می‌دهند: تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی چگونه بوده است؟ در بررسی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکترای تخصصی دانشجویان با عنوان «تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی» در دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

۲. پژوهشگر دکتری گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. babaei.architect@gmail.com

۳. دانشیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) soheili@qiau.ac.ir

۴. استادیار گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. sheidakhansari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸



تطبیقی معماری حمام‌های صفوی و عثمانی چه تفاوت‌ها و تشابهاتی از نظر تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه وجود داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در حکومت عثمانی بیشترین تمرکز فرهنگی بر موقعیت مکانی بخش زنان و مردان بوده است، اما در گستره حکومت صفویه توجه به مسائل دینی بر موقعیت مکانی و ساختاری حمام‌ها ارجحیت داشته و آرایش فضایی و تزئینات بیشتر در راستای توجه به نیازهای معنوی انسان در نظر گرفته می‌شده است.

واژه‌های کلیدی: معماری حمام، حمام‌های صفویه، حمام‌های عثمانی، فرهنگ عامه، آیین‌های عامه، تأثیرات فرهنگی، معماری اسلامی.

۱. مقدمه

بدون شک در هر فرهنگ و دوره تاریخی، «فضاهای عمومی» مختلف با کارکردهای ویژه‌ای وجود دارند که به اقتضای نیازهای فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، بنا شده‌اند؛ همچنین دستاوردهای هنری بشر شامل مجموعه‌ای از نمادها و نشانه‌های فرهنگی رایج در جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. این عناصر و نمادهای مشخص که گاه به طور مستمر تکرار شده و به مثابه الگوهایی ثابت، به اشکال مختلف با هم ادغام شده‌اند، روایت‌کننده پیام‌های نمادین در معماری‌اند. حمام‌های عمومی که از جمله این بناهای معماری محسوب می‌شوند نیز دربردارنده نمادها و نشانه‌های فرهنگی یک جامعه‌اند.

حمام در فرهنگ اسلامی همواره در بین سایر بناها از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است؛ چرا که از یک سو دین اسلام تأکید زیادی بر موضوع نظافت داشته و به تبع آن مسلمانان نیز توجه و عنایت فراوانی به پاکی و طهارت داشتند و از آنجا که کارکرد اصلی حمام، انجام فریضه طهارت است مسلمانان برای پرهیز از نجاست، اغلب حمام‌های سستی را به مکان‌های مهمی در فرهنگ اسلامی تبدیل کردند؛ تا آنجا که حمام به اندازه مسجد اهمیت و ساخت آن روزه‌روز افزایش یافت (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۲: ۴۵). از سوی دیگر، از آنجا که بیشتر افراد از حمام‌های عمومی دور بودند و دسترسی آسانی به آن‌ها نداشتند؛ لذا انگیزه خود را برای رفتن به حمام از دست می‌دادند؛ در این راستا، معماران برای ترغیب افراد خوشایند کردن فضای حمام، دست به آرایش فضای داخلی زدند، تا آنجا که می‌توان گفت رفتن به حمام، حتی نوعی تفریح نیز محسوب می‌شد (همان، ۲۶۱). علاوه بر موارد بالا باید

گفت حمام‌های عمومی مکانی با کاربری مشخص و واحد (نظافت) نبود، بلکه عمدتاً محلی برای گرفتن تصمیم‌های مهم مردم و نیز مجمعی فرهنگی و مکانی برای شکل‌گیری فرهنگ عامه و فولکلور محلی نیز محسوب می‌شد. بر این اساس به نظر می‌رسد می‌توان از بررسی و مذاقه در معماری حمام‌ها به میزان تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه در نوع شکل‌گیری این سازه‌ها دست یافت و این مسئله اهمیت و ضرورت پژوهش در این باب را نمایان می‌سازد.

گفتنی است که دوره صفویه درخشان‌ترین دوره در تاریخ معماری ایران شناخته می‌شود؛ دوره‌ای که در آن طراحی و ساخت گرمابه‌ها نیز هم‌پای دیگر بناهای معماری به اوج شکوفایی و تکامل رسید. از سوی دیگر، با توجه به هم‌دوره بودن صفویه و عثمانی و همچنین اشتراکات گسترده دینی و آیینی میان این دو تمدن، این پژوهش درصدد است تا در قالب یک بررسی تطبیقی، به تحلیل تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی بپردازد. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی چگونه و تا چه میزان بوده است؟ و ۲. چه تفاوت‌ها و تشابهاتی در معماری، کارکرد و تزئینات این حمام‌ها وجود دارد؟ بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه فرهنگ رایج در دوره‌های صفویه و عثمانی و تحلیل تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بر معماری حمام‌های این دو دوره است. پیش از پرداختن به بررسی پرسش‌های مطرح‌شده، مرور تحقیقات و پژوهش‌های پیشین در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

۲. پیشینه پژوهش

معماری حمام‌ها در ادوار مختلف تاریخی و تأثیرپذیری آن از عوامل گوناگون، در قالب پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، به معرفی برخی از این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۱. پژوهش‌های داخلی

صابری نه‌فروزانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «آیین حمام؛ تحقق منظر آیینی حمام ایرانی در دوران اسلامی از خلال متون، ساختار حمام و نقوش تزئینی (نمونه موردی: نقوش و مظاهر آیینی حمام گنجعلی‌خان کرمان)» بیان می‌کند که حمام و فرایند استحمام در جامعه ایرانی، فراتر از یک مکان صرفاً بهداشتی، به مثابه یک فعالیت جمعی

و آیین اجتماعی شناخته می‌شد. وی تأکید می‌کند که این فضاها به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در ساختار شهری و محلات داشتند، به مرور زمان به بخشی از عرف و باورهای مذهبی جامعه تبدیل شدند و به شکل یک منظر آیینی درآمدند.

کاظمی و بایوردی (۱۳۹۸) در مقاله «نقش آیین گذار در ساختار کالبدی حمام‌های عمومی» به بررسی تأثیر آیین‌های گذار بر ساختار سه‌بخشی حمام‌های ایرانی (بینه، میان‌در و گرمخانه) پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند که این ساختار، علاوه بر تأثیرپذیری از عوامل اقلیمی و عملکردی، با مراحل سه‌گانه آیین گذار و آداب استحمام و تطهیر ارتباط معناداری دارد که نشان‌دهنده توجه به جنبه‌های محتوایی و آیینی در طراحی حمام‌های سنتی ایران است.

حائری و طبسی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی نقش طب سنتی در معماری حمام‌های تاریخی دیروز و مراکز آب‌درمانی امروز» به تأثیر آرای حکمای طب ایرانی-اسلامی بر معماری حمام‌ها اشاره کرده‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که مفاهیم بهداشتی و درمانی در قالب چهار بیت مزاجی (گرم و خشک، سرد و تر، گرم و تر، سرد و خشک) در طراحی حمام‌ها به کار رفته‌اند و این مفاهیم، رابطه مستقیمی با تعادل جسمی و سلامتی افراد داشته‌اند.

دیواندری، دانایی‌نیا، صیادی و امامی میبدی (۱۳۹۵) در پژوهش «مزاج به مثابه یک کهن‌الگو در طراحی معماری حمام ایرانی» تأکید کرده‌اند که معماری حمام‌های ایرانی بر اساس آموزه‌های طب سنتی-اسلامی و با هدف تأمین سلامت جسم و روح طراحی شده‌اند. آن‌ها معتقدند که آرامش حاصل از استحمام، با مفاهیم کاربردی نهفته در معماری حمام‌ها پیوند مستقیم دارد.

قدیری مقدم‌نیاری و جزءپیری (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی مقایسه‌ای فضاهای حمام‌های عمومی ایرانی اسلامی با حمام‌های عثمانی» به مقایسه فضاهای حمام‌های این دو دوره پرداخته‌اند. آن‌ها درصدد پاسخ به این پرسش بوده‌اند که کدام یک از این دو نوع حمام، پاکیزگی و آرامش بیشتری را برای کاربران فراهم می‌کند.

هژبر، صفاران و حاتم (۱۳۹۳) در مقاله «ارزش‌های هنری و کاربردی معماری حمام‌های سنتی ایران» نگاشته‌اند که حمام‌های عمومی به مثابه بناهای عام‌المنفعه در شهرهای تاریخی ایران، از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. آن‌ها تأکید می‌کنند که توجه

به نظافت و طهارت در فرهنگ ایرانی-اسلامی باعث شده بود تا حمام‌ها در کنار فضاهای مهم شهری مانند بازار و مسجد قرار گیرند.

فیاضی و توکلی‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهش «کارکرد اجتماعی و سیاسی گرمابه در دوره صفوی» به بررسی نقش حمام‌ها در دوره صفویه پرداخته‌اند. آن‌ها می‌نویسند که حمام‌ها در این دوره، علاوه بر کارکرد بهداشتی، دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز بودند و به مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره مردم و حکومت، نقش مهمی ایفا می‌کردند.

۲-۲. پژوهش‌های خارجی

کاکماز^۱ (۲۰۰۲) در مقاله «بررسی حمام‌های ترکی و کارکردهای آن‌ها در خاطرات غربی‌ها» به بررسی جایگاه حمام‌های ترکی در فرهنگ ترکیه و بازتاب آن در آثار نویسندگان غربی پرداخته است. وی بیان می‌کند که حمام‌های ترکی که مکان‌هایی برای سرگرمی و تعاملات اجتماعی، به ویژه برای زنان، بودند از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که حمام‌ها نه تنها فضاهایی برای نظافت، بلکه بخشی از زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه ترکیه شناخته می‌شدند.

دوروکان^۲، کلیچ^۳ و تونجر^۴ (۲۰۲۰) در مقاله «بررسی معماری حمام بازار آنتالیا و پیشنهاد ماژول‌های بازاریابی تجربی برای عملکرد مجدد آن به عنوان یک فضای خرید»، به تحلیل ویژگی‌های معماری و تاریخی حمام بازار پرداخته‌اند. آن‌ها تأکید می‌کنند که حمام‌های ترکی به عنوان بخشی از معماری اسلامی، بازتابی از جامعه و فرهنگ ترکیه هستند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که از این فضاها برای کاربری خرید استفاده شود و به این ترتیب، کارکردهای جدیدی برای حمام‌های تاریخی تعریف شود.

ایلچاک^۵ (۲۰۲۰) در پژوهش «حمام ترکی به عنوان یک ارزش فرهنگی و استفاده از آن در افسانه‌ها»، به بررسی نقش حمام‌های ترکی در فرهنگ و هنر ترکیه پرداخته است. وی بیان می‌کند که حمام‌های ترکی با ویژگی‌هایی مانند ستون‌های مرمری، چشمه‌های آب گرم و فضاهای جادویی، مکان‌هایی برای خلوت و معاشرت شناخته می‌شدند. این پژوهش تأثیر حمام‌ها را در حوزه‌هایی مانند موسیقی، هنر و ادبیات غیرقابل انکار می‌داند.

1. kaçmaz
2. Durukan
3. Kilic
4. Tuncer
5. Ilıcak

اوغول جان^۱ (۲۰۲۲) در مقاله «یک رویکرد اصطلاحی در مورد فضاهای حمام ترکی»، به بررسی ساختار معماری و نام‌گذاری فضاهای داخلی حمام‌های سستی ترکیه پرداخته است. او توضیح می‌دهد که حمام‌های ترکی از دو بخش اصلی تشکیل شده‌اند: بخش آماده‌سازی و استحمام و بخش گرمایش. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که برای درک بهتر عملکرد و نام‌گذاری فضاها، حمام‌های رومی به‌عنوان پیشینیان حمام‌های ترکی نیز مورد بررسی قرار گیرند.

بیوک‌کول^۲ و آردا^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش «فرهنگ حمام در سنت ترک و بازتاب آن در نقاشی»، به بررسی نقش حمام‌های ترکی در فرهنگ ترکیه پرداخته‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که حمام‌ها که بخشی از سنت پاکسازی و طهارت در ترکیه را برعهده داشتند، در نزدیکی مساجد و مجتمع‌های اجتماعی ساخته می‌شدند. در این فضاها تمام اقشار جامعه اجازه داشتند تا با یکدیگر معاشرت کنند و به این ترتیب، نقش مهمی در انسجام اجتماعی ایفا می‌کردند.

ریحان^۴، ایپک اوغلو^۵ و بیوک^۶ (۲۰۱۳) در پژوهش «تکنیک‌های ساخت گنبد در برخی حمام‌های عثمانی»، به بررسی ویژگی‌های معماری حمام‌های عثمانی پرداخته‌اند. آن‌ها تأکید می‌کنند که گنبد یک عنصر ساختاری کلیدی در معماری حمام‌های عثمانی، نقش مهمی در پوشش فضاهای مربعی و ایجاد سالن رختکن و فضاهای گرم داشته است.

آپادین^۷ (۲۰۰۹) در پژوهش «تأثیر فرهنگ حمام ترکی بر طراحی فضاهای آبگرم و فضاهای سلامتی»، به بررسی نقش حمام‌های ترکی در طراحی فضاهای مدرن پرداخته است. وی بیان می‌کند که حمام‌های ترکی امروزه نه تنها مکان‌هایی برای نظافت‌اند، بلکه برای معاشرت و ارتقای سلامتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ حمام ترکی تأثیر قابل توجهی بر طراحی فضاهای آبگرم و سلامتی در دوران معاصر داشته است.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که معماری حمام‌ها در ادوار مختلف تاریخی، تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله فرهنگ، آیین‌ها، طب سستی و نیازهای اجتماعی شکل گرفته

1. Oğulcan

2. Büyükkol

3. Arda

4. Reyhan

5. Ipekoğlu

6. Böke

7. Apaydin

تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی | ۹

است. در ایران، حمام‌ها به‌مثابه فضاهای جمعی و آیین‌های اجتماعی، نقش مهمی در تقویت پیوندهای اجتماعی و فرهنگی ایفا کرده‌اند؛ از سوی دیگر، در ترکیه و امپراتوری عثمانی، حمام‌ها نه تنها مکان‌هایی برای نظافت بودند، بلکه مراکز تعاملات اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شدند؛ با این حال، علی‌رغم مطالعات گسترده در این حوزه، مقایسه تطبیقی بین معماری حمام‌های صفویه و عثمانی و تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه بر این معماری، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

هدف این مقاله، بررسی تطبیقی معماری حمام‌های صفویه و عثمانی با تمرکز بر تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه است. این پژوهش درصدد است تا با تحلیل ویژگی‌های معماری، کارکردی و تزئینات حمام‌های این دو دوره، تفاوت‌ها و شباهت‌ها را در نحوه تأثیرپذیری از فرهنگ و آیین‌های عامه شناسایی کند؛ همچنین، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه معماری حمام‌ها در جایگاه فضاهای عمومی، بازتابی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی هر دو تمدن بوده است. این بررسی می‌تواند به درک بهتر از تعاملات فرهنگی و معماری بین ایران و عثمانی کمک کرده و نقش حمام‌ها را که نمادهای فرهنگی در تاریخ معماری اسلامی‌اند روشن‌تر سازد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش در زمره مطالعات تاریخی-تفسیری قرار دارد و از نوع پژوهش‌های بنیادی کیفی است که به بررسی رابطه سلسله‌مراتب فضایی و تأثیر عوامل فرهنگی-محیطی و آیین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره‌های صفویه و عثمانی می‌پردازد. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است که در آن، منابع مختلفی شامل متون تاریخی (تاریخ‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها و روایات)، مقالات علمی و کتاب‌های مرتبط مطالعه و تحلیل شده‌اند. با توجه به دشواری دسترسی به برخی از این منابع و اسناد، فرایند جمع‌آوری اطلاعات با چالش‌هایی همراه بوده است. در این پژوهش، از دو ابزار اصلی فیش‌برداری و مشاهده استفاده شده است. در بخش کتابخانه‌ای، اطلاعات مرتبط و کاربردی از منابع مکتوب استخراج و فیش‌برداری شده‌اند. در بخش میدانی نیز، با بازدید حضوری از حمام‌های مورد مطالعه و در صورت لزوم با اخذ مجوزهای لازم، از دوربین عکاسی برای ثبت اطلاعات بصری و معماری استفاده شده است.

در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش استدلال استنتاجی به صورت ترکیبی با روش قیاسی بهره گرفته شده است؛ همچنین، برای نتیجه‌گیری نهایی، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا داده‌های کیفی را به صورت نظام‌مند بررسی و تفسیر کند. جامعه آماری این تحقیق را حمام‌های دوره صفویه و حمام‌های دوره عثمانی (معاصر با دوره صفویه) تشکیل می‌دهند.

۴. نظری گذرا بر روند تطور حمام

در طول تاریخ بشر نظافت و حمام کردن، نیازی ضروری و حیاتی بوده است. در ابتدا، نظافت و پاکسازی بدن که عمدتاً در نواحی باز با آب و یا کنار رودخانه انجام می‌شد، وسیله‌ای برای تطهیر معنوی نیز تلقی می‌شد. در واقع، اعتقاد عموم مردم بر این بود که رودخانه‌های گنگ در هند، نیل در مصر، فرات در آشور، رود زرد در چین و آمازون در آمریکای جنوبی مقدس‌اند و علاوه بر پاکسازی بدن، سبب طهارت و تطهیر معنوی و باطنی‌اند (Yenice & Ararat, 2022: 17). این روند کم‌کم با احساس نیاز به حفظ حریم خصوصی و انجام استحمام و پاکسازی در فضایی بسته‌تر و دور از منظر عموم و همچنین دور از فضای باز و کنار رودخانه‌ها، تغییر کرد و حمام کردن به فضاهای داخلی منتقل شد.

فضاهای داخلی‌ای که به منظور نظافت و با تأثیرپذیری از افزایش فضاهای زندگی و شرایط اقلیمی و نیز حفظ حریم خصوصی ساخته شد، با گذشت زمان توسعه یافت و به سازه‌های حمام تبدیل شد. بقایای حمام که در ویرانه‌های کاخ پادشاه آشور آداد هیراری (۸۵۹-۸۲۴ قبل از میلاد) در بین‌النهرین باستان یافت شد، اولین سازه‌های بسته حمام نام گرفته‌اند (Ibid, 198).

پذیرش جهانی حمام کردن به مثابه یک رویداد اصلی در زندگی روزمره، متعلق به دنیای روم است. سازماندهی و برنامه‌ریزی در حمام‌های رومی بر اساس اصل درجه‌بندی دما بود (Vitruvius, 1960: 162). آن‌ها جدا از عملکردهای بهداشتی معمولی خود، امکاناتی را برای ورزش و تفریح در این مکان‌ها فراهم آوردند (Caskey, 1999: 170) و در نتیجه محیطی مناسب برای روابط اجتماعی ایجاد کردند؛ تا آنجا که کم‌کم حتی جنبه فرهنگی و فکری نیز به حمام‌ها داده شد؛ زیرا این مکان‌ها مجموعه‌های بزرگ، کتابخانه‌ها و سالن‌های سخنرانی را در خود جای

داده بودند (Yegül & Foundation, 1992: 198). با توجه به این که حمام کردن یک رویداد اصلی در زندگی روزمره در نظر گرفته می‌شد؛ لذا ساختمان‌هایی که چنین عملکردهایی را در خود جای داده بودند به منظور برآورده کردن تمام الزامات و ترجیحات، مورد توجه قرار گرفتند. منابع مکتوب نشان می‌دهند که سقف‌های طاق‌دار بلند و پنجره‌های بزرگ نیم‌دایره یا قوسی اتاق‌های «ولرم» و «گرم» مورد تحسین حمام‌کنندگان قرار می‌گرفت (Vitruvius, 1960: 163). در برخی از مراکز حمام رومی، یک سالن بیرون‌زده دایره‌ای یا نیم‌دایره با پنجره‌های بزرگ با جهت جنوب یا جنوب غربی، برای حمام کردن استفاده می‌شد که لذت بیشتری را برای حمام کردن فراهم می‌کرد (Yegül & Foundation, 1992: 252).

شایان ذکر است در این عصر حمام و غسل با هدف دینی و مذهبی همراه نبود؛ برعکس، فضای داخلی مجلل حمام‌ها به جای تزکیه و تطهیر درونی و معنوی، بیشتر به دنبال ارائه یک تجربه سکولار بود. حمام‌ها از بناهای محبوب شهرهای باستانی پسین و اوایل بیزانس باقی ماندند (Caskey, 1999: 195). اگرچه در این دوران، حمام کردن که یک فعالیت دلپذیر بود، با تصور معنوی مسیحیت که قرار بود از طریق بی‌توجهی به بدن و حواس به دست آید، ناسازگار بود، اما حمام کردن با اهداف و رویکردهای مذهبی هرگز رد یا ممنوع نشد (Yegül & Foundation, 1992: 260).

به موازات آن، فرهنگ استحمام در خاورمیانه و اسلام در حمام‌ها تجربه شد؛ به ویژه پس از توصیه پیامبر اسلام به حمام کردن، شروع به شکوفایی کرد. رفته‌رفته حمام که مورد تأکید قرآن و حدیث بود در فعالیت‌های روزانه و هفتگی جامعه اسلامی جایگاه والایی پیدا کرد. تأکید قرآن بر نظافت و محبوبیت آن نزد خداوند «فیه رجالٌ یحبُّونَ أن یتطهَّروا واللّهُ یُحِبُّ الْمُطَهَّرُونَ»^۱ و تصریح پیامبر بر «نیمی از ایمان بودنِ نظافت»^۲، جایگاه استحمام و حمام را در این جوامع قوت بخشید.

بین قرن یازدهم تا پانزدهم، فاتحان ترک آسیای صغیر با حمام‌های عمومی کوچک در شهرهای بیزانس و همچنین با حمام‌های عربی-اسلامی در سراسر سوریه و مصر آشنا شدند. هنگامی که امپراتوری عثمانی ویژگی‌های دینی و اسلامی را پذیرفت، الگوهای زندگی شهری

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۲. 'النظافة من الایمان' (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

موجود در فرهنگ اسلامی را در خود گنجانند. حمام‌های عثمانی به مثابه نوادگان مستقیم این خط طولانی از حمام‌ها و فرهنگ حمام‌کردن پیدا شده و رفته‌رفته رشد و توسعه یافتند (Aaland, 1978: 153).

در دیگر سوی در ایران باستان نیز وجود حمام‌هایی با فضای بسته از قدمت زیادی برخوردار است. ایرانی‌ها بیش از سه‌هزار سال پیش در شهرهای خود حمام عمومی داشتند. بنا به ادعای موبد اردشیر خورشیدیان رئیس انجمن موبدان ایران، ایرانیان نخستین قوم در جهان هستند که برای شست‌وشو به ساخت گرمابه پرداختند. در دوره هخامنشی نیز برای اشراف، حمام‌های خصوصی و برای عموم مردم، حمام‌های عمومی ساخته شد که بقایای آن در تخت جمشید و کاخ داریوش قابل مشاهده است؛ همچنین در دوره ساسانیان گرمابه‌ها، اختصاصاً برای طبقه اشراف و بزرگان جامعه ساخته می‌شد (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۲: ۲۶). متون تاریخی و کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که پس از ورود اسلام به ایران، این رویکرد تغییر کرد و ساخت حمام به ویژه حمام‌های عمومی و عام‌المنفعه گسترش زیادی پیدا کرد.

در دوران صفویه (۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی)، ایران شاهد تحولی چشمگیر در زمینه‌های مختلف از جمله معماری، فرهنگ و زندگی اجتماعی بود. یکی از جنبه‌های مهم این دوره، ساخت حمام‌های عمومی است که نقش زیادی در زندگی روزمره مردم داشت. تا آنجا که می‌توان گفت دوره رونق ساخت حمام‌ها، مربوط به عصر صفویه است. در این دوره در کنار ساخت وسازهای گسترده، تعداد نسبتاً زیادی حمام در شهرهای مختلف ایران ساخته شد که شماری از آن‌ها در نوع خود شاهکار بودند؛ مانند حمام گنجعلی خان کرمان و حمام خسروآقا (قدیری مقدم و جزء پیری، ۱۳۹۴: ۳).

در دوره عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۲ میلادی) نیز شاهد گسترش و شکوفایی حمام‌های عمومی هستیم که نقش مشابهی را در این امپراطوری ایفا می‌کردند. وجود واژه‌های ترکی باستانی مرتبط با حمام نشان می‌دهد که نظافت همیشه در فرهنگ ترکی مهم بوده است. پذیرش اسلام تأکید بیشتری بر اهمیت پاکیزگی کرده و باعث افزایش تعداد حمام‌ها شد. فتح آناتولی توسط سلجوقیان و فعالیت‌های ساختمانی بعدی نیز به ساخت حمام‌ها کمک کرد. امپراتوری عثمانی نقش مهمی در رواج مفهوم «حمام ترکی» در سطح جهانی ایفا کرد؛ زیرا آن‌ها کمک زیادی به گسترش فرهنگ حمام کردند و هر جا که حکومت خود را گسترش دادند آن را معرفی

کردند. (Akkese, 2017: 133). پس از مروری اجمالی بر روند ساخت، تحول و تکامل حمام‌ها و پدیده استحمام در طول تاریخ، این پژوهش ابتدا به بررسی ویژگی‌های معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی می‌پردازد که به ما کمک می‌کند تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه را بر معماری این بناها تحلیل کرده و به درک بهتری از وجوه تشابه و تفاوت این دو تمدن در این زمینه دست یابیم.

۵. ویژگی‌های معماری و فرهنگی حمام‌های صفوی و عثمانی

در میان دوره‌های مختلف تاریخی، دوره عثمانی در آناتولی و دوره صفوی در ایران، از مهم‌ترین دوره‌هایی هستند که در آن معماری حمام‌ها به اوج شکوفایی خود رسید. این حمام‌ها نه تنها نماد هنر و معماری اسلامی شناخته می‌شوند، بلکه تأثیرات عمیقی بر فرهنگ، بهداشت عمومی و ساختار اجتماعی جوامع آن دوران گذاشتند؛ اگرچه حمام‌های صفوی و عثمانی از نظر کارکرد و برخی ویژگی‌های معماری شباهت‌هایی دارند، اما تفاوت‌های قابل توجهی نیز بین آن‌ها وجود دارد. این تفاوت‌ها عمدتاً ناشی از شرایط اقلیمی، سبک‌های معماری بومی و تأثیرات فرهنگی هر منطقه است. حمام‌های صفوی با کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ و نفیس، هندسه متقارن و نقوش اسلیمی شناخته می‌شوند که نشان‌دهنده توجه به زیبایی‌شناسی و هنر در معماری این دوره است. در مقابل، حمام‌های عثمانی بیشتر بر ساختارهای گنبدی و تقسیم‌بندی‌های فضایی کارآمد تأکید داشتند که نشان‌دهنده تمرکز بر کارکردگرایی و بهره‌وری فضایی است.

در این بخش از مقاله، قصد داریم ویژگی‌های معماری، ساختارهای فیزیکی، زیبایی‌شناسی و کاربردی حمام‌های صفوی و عثمانی را بررسی کنیم. نویسندگان بر این باورند که شناخت این ویژگی‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از رویکردهای معماری اسلامی در دو حوزه فرهنگی و همچنین تأثیرات متقابل این دو تمدن بر یکدیگر منجر شود.

۵-۱. کارکرد فرهنگی - اجتماعی حمام‌ها

همان گونه که پیش‌تر بیان شد حمام^۱ به معنای محلی برای شست‌وشو پیش از اسلام نیز در تمدن‌های قدیم میان یونانی‌ها، فارس‌ها، رومی‌ها، هندی‌ها و چینی‌ها وجود داشت و آن‌ها از ابتدا از حوضچه‌های آب و رودخانه‌ها برای نظافت و پیشگیری از بیماری استفاده می‌کردند و به نوعی حمام از زمان‌های قدیم با زندگی دینی و پاکیزگی پیوند خورده بود.

۱. حمام واژه‌ای عربی است که از حَمَّ (گرم کردن و داغ کردن) به معنای «گسترشگر گرما» اخذ شده است.

اگر چه حمام اصالتاً مکانی برای نظافت بود، اما در کنار آن، مکانی برای تجمع مردم نیز به شمار می‌رفت؛ به‌طوری‌که مردم در حمام دربارهٔ امور زندگی خود با یکدیگر مشورت می‌کردند و به‌دلیل جو حاکم در میان کشورهای شرقی، مکانی برای نقل و انتقال اطلاعات و اخبار نیز به شمار می‌رفت (قدیری و جزء پیری، ۱۳۹۴: ۵). حمام‌ها در دوره‌های صفویه و عثمانی مراکزی برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شدند. معماری این حمام‌ها در هر دو تمدن بنا به شرایط اقلیمی و فرهنگی خود، به‌طور خاص طراحی شده بود تا فضایی فراهم کند که امکان ارتباط و تبادلات اجتماعی در کنار فرایندهای بهداشتی وجود داشته باشد.

در دورهٔ صفویه، که همزمان با اوج شکوفایی هنر و معماری ایرانی بود، حمام‌ها به‌مثابه یکی از اجزای ضروری زندگی اجتماعی در شهرهای بزرگ، به ویژه در پایتخت‌هایی چون اصفهان، نقشی اساسی ایفا می‌کردند. حمام‌های عمومی صفویه علاوه بر کارکرد بهداشتی خود، فضایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز فراهم می‌آوردند. این فضاها در بسیاری از موارد، محل ملاقات طبقات مختلف اجتماعی بودند که در آن‌ها تبادل اخبار، مذاکره در مورد مسائل سیاسی و حتی انجام معاملات تجاری صورت می‌گرفت (ناصرالحکماء، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در این حمام‌ها، که معمولاً دارای گنبد‌های بزرگ و سقف‌های بلند با کاشی‌کاری‌های تزئینی بودند، فضایی مناسب برای گفت‌وگو و انجام فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌شد. علاوه بر این، حمام‌ها در دوره صفویه به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی نیز کاربرد داشتند. برخی از مراسم مذهبی مانند غسل‌های جمعه یا غسل پیش از مراسم‌های ویژه در این مکان‌ها انجام می‌شد. بنابراین، این فضاها جنبه‌ای معنوی و فرهنگی داشتند و از اهمیت خاصی در زندگی اجتماعی آن دوره برخوردار بودند (همان، ۱۲۴).

در دورهٔ عثمانی نیز مشابه با دوران صفویه، حمام‌ها نه تنها مکان‌هایی برای بهداشت، بلکه مراکزی اجتماعی و فرهنگی بودند. یکی از ویژگی‌های مهم حمام‌های عثمانی، تفکیک فضاها برای مردان و زنان بود. این تفکیک اجتماعی در طراحی معماری حمام‌ها به وضوح قابل مشاهده است، بخش‌های خصوصی برای زنان و مردان مجزا طراحی می‌شد تا محیطی راحت‌تر برای گفت‌وگو و استراحت فراهم شود (Kayserili & Korkusuz, 2018: 457). در دوره صفویه، حمام‌ها بیشتر به عنوان فضاها عمومی برای ملاقات طبقات مختلف

اجتماعی و تبادل اخبار و اطلاعات به کار می‌رفتند (ناصرالحکماء، ۱۳۸۷: ۱۳۱). در حال که در دوران عثمانی، تأکید بر تعاملات خصوصی و اجتماعی در فضایی مخصوص هر جنسیت بود، که به نوعی بیانگر تفکیک اجتماعی در این فرهنگ به حساب می‌آید (Kayserili & Korkusuz, 2018: 476).



حمام‌ها در شهرهایی چون استانبول، به مکان‌هایی برای ملاقات‌های اجتماعی، مذاکرات تجاری و حتی فعالیت‌های سیاسی تبدیل شده بودند. این مکان‌ها به ویژه برای تجار و سیاستمداران فرصتی را برای برقراری ارتباطات غیررسمی و حل مسائل اجتماعی و تجاری فراهم می‌آورد. حمام‌های عثمانی اغلب با گنبد‌های بزرگ و استفاده از نور طبیعی از طریق پنجره‌های شیشه‌ای طراحی می‌شدند، که باعث می‌شد فضاهای داخلی این حمام‌ها از نظر زیبایی‌شناسی نیز جذاب باشند و شرایط مناسبی را برای تعاملات اجتماعی ایجاد کنند (Savaş, 2007: 18). در فرهنگ عثمانی، اساساً حمام‌ها (معروف به حمام‌های ترکی) نقش محوری در زندگی اجتماعی ایفا می‌کردند. این حمام‌ها، علاوه بر مکانی برای استحمام، فضایی برای برگزاری مراسمی مانند «حمام عروس» و تجمعات زنانه بودند. مراسم و آیین‌های مرتبط با حمام، مانند ماساژ و استفاده از روغن‌های معطر، بازتاب‌دهنده توجه عثمانی‌ها به آرامش و رفاه در زندگی روزمره بود.

در کل، حمام‌ها در هر دو دوره صفویه و عثمانی، فراتر از کارکرد اولیه خود که مکان‌هایی برای شست‌وشو و رعایت بهداشت بودند، به عنوان مراکز اجتماعی و فرهنگی نقش‌آفرینی می‌کردند. این فضاها در جایگاه محلی برای تقویت پیوندهای اجتماعی، تبادل اطلاعات و حتی تعاملات سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. ویژگی‌های معماری این

حمام‌ها، از جمله طراحی فضاهای داخلی و نحوه سازمان‌دهی آن‌ها، به گونه‌ای بود که امکان برقراری ارتباطات اجتماعی را تسهیل می‌کرد. این امر به‌ویژه در شهرهای بزرگ هر دو فرهنگ، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ از این‌رو، حمام‌ها در هر دو دوره، نه تنها فضاهایی برای رفع نیازهای بهداشتی، بلکه نمادهایی از پیوند میان فرهنگ‌های مختلف و کارکردهای چندگانه فضاهای عمومی شناخته می‌شدند.

۲-۵. معماری و ساختار حمام‌ها

در طراحی حمام‌ها دو الگوی کلی دیده می‌شود: نخست، اصول عامی که در تمام بناهای اسلامی رعایت می‌شد؛ دوم، ویژگی‌های مختص حمام‌ها. عملکرد اصلی حمام، یعنی تطهیر فیزیکی و رفع ناپاکی، معماران را ملزم به رعایت برخی ملاحظات ساختاری می‌کرد؛ برای مثال، ایجاد سطوح مختلف در رختکن (سربینه)، ساخت حوضچه‌های گوناگون برای تطهیر مطابق با احکام اسلامی و تنظیم جایگاه آب‌نماها از جمله تدابیری بود که در طراحی حمام‌ها لحاظ می‌شد.

حمام‌های دوره صفوی با تأکید بر نظم فضایی طراحی شده‌اند. ساختار آن‌ها شامل بخش‌های سربینه (محل تعویض لباس)، میاندر (فضای گذار) و گرمخانه (محل استحمام) است که به‌صورت متوالی و متناسب با عملکردهای مختلف طراحی شده‌اند. این حمام‌ها اغلب در سطحی پایین‌تر از خیابان‌ها ساخته می‌شدند تا از جریان طبیعی آب و کنترل دمای محیط استفاده بهینه شود. از نظر معماری، کاشی‌کاری‌های چندرنگ، نقاشی‌های دیواری با مضامین اساطیری و گیاهی، و استفاده از قوس‌ها و طاق‌های ایرانی از ویژگی‌های بارز آن‌ها محسوب می‌شود.

در حمام‌های دوره صفویه، علاوه بر استفاده از عناصر مقدس در هنر اسلامی، سنت‌ها و آداب و رسوم مناطق مختلف نیز جریان داشت. این حمام‌ها به‌دلیل نقش اجتماعی خود و عوامل دیگر، به بناهایی چندمنظوره تبدیل شدند که این موضوع در روند ساخت و ساز آن‌ها تأثیرگذار بود. این حمام‌ها با عناصر تزئینی همچون کاشی‌کاری، کاربندی، مقرنس‌کاری و تزیینات آهکی آراسته می‌شدند؛ همچنین، نوآوری‌هایی در معماری آن‌ها دیده می‌شود، مانند استفاده از ستون‌های مارپیچی که علاوه بر زیبایی، مانع از چکیدن آب بر سر افراد می‌شد. این

دوره را می‌توان عصر شکوفایی معماری حمام‌های ایرانی دانست. با ظهور تأثیرات غربی در دوران قاجار، برخی از ویژگی‌ها و عناصر تمدن غربی، همانند سایر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، در معماری حمام‌ها نیز وارد شد؛ برای مثال، استفاده از نقاشی‌های غربی و پالت‌های گچی در حمام‌های دوره قاجار، مانند نقاشی‌های چهارفصل حمام اراک، نمونه‌ای از این تأثیرات است؛ باین‌حال، اصول و ساختار سنتی حمام‌های ایرانی تا حد زیادی حفظ شد و تغییرات عمده‌ای در آن‌ها ایجاد نشد (لطفی، مسجدی، ۱۳۹۲: ۷۸).

علاوه‌بر مسئله بهداشت و تطهیر، این حمام‌های تاریخی، نقش‌هایی در ایجاد شادی، سرگرمی و ارتقای سلامت نیز داشتند و معمولاً به این دلیل، وسیع و خوش‌ساخت بودند. این گرمابه‌ها شامل سه بخش اصلی موسوم به «بیوت ثلاثه» بودند (همان، همانجا):

- خانه اول (سردخانه) که فضای خنک‌کننده و آماده‌سازی بود.
 - خانه دوم (میان‌در یا گرم‌خانه) که وظیفه گرم‌کردن و نرم‌کردن بدن را برعهده داشت.
 - خانه سوم (گرم‌خانه اصلی) که محل شست‌وشو و خشک‌کردن بود.
- این ساختار نه‌تنها به بهداشت و نظافت افراد کمک می‌کرد، بلکه فضایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز فراهم می‌آورد.

حمام‌های عثمانی نیز ساختاری مشابه با حمام‌های صفوی دارند، اما با تفاوت‌هایی در جزئیات و سبک معماری. این حمام‌ها بیشتر تحت تأثیر عناصر معماری عثمانی، مانند استفاده گسترده از گنبد‌های بزرگ برای پوشش سقف و فضاهای بازتر، طراحی شده‌اند. در ساختار آن‌ها به‌طور گسترده از سنگ مرمر استفاده می‌شد و حوضچه‌های آب سرد و گرم در طراحی داخلی، نقشی برجسته داشت. این ویژگی‌ها، همراه با نورگیرهای سقفی که نور طبیعی را به داخل هدایت می‌کردند، به حمام‌های عثمانی جلوه‌ای خاص و منحصر‌به‌فرد می‌بخشید.

پس از پذیرش اسلام توسط ترک‌ها، آن‌ها با قوانین بهداشتی - دینی آن آشنا شدند. دو عامل را می‌توان برای افزایش و توسعه ساخت حمام‌های ترکی در دوره عثمانی در نظر گرفت: اول آنکه حمام‌ها به‌دلیل درآمد خوب و زیاد، منبع درآمدی برای کارهای خیریه محسوب می‌شدند؛ دوم آنکه حمام‌ها در عین حال به افرادی که در مراکز اجتماعی چون مسجد گرد هم می‌آمدند، خدمت می‌کردند.

عثمانی‌ها عمدتاً با پیروی از طرح معماری حمام‌ها در دوره سلجوقی، حمام‌های قدیمی بیزانسی را تجدید کردند. در این سبک معماری، یک حمام معمولی، شامل فضاهایی بود که در یک چیدمان مشترک سازماندهی شده و مجهز به فانوس‌هایی بود که بر جهت‌گیری فضای مرکزی تأکید می‌کرد و گاه یک فواره که در محور تقارن درگاه ورودی قرار داشت. «اتاق ولرم»، فضای گرم‌شده‌ای است که فضای درهم‌تنیده را به «اتاق گرم» متصل کرده و بدن را برای افزایش دما و رطوبتی که از طریق بخار آب تأمین می‌شود، آماده می‌کند. فضاهای ولرم، سلول‌ها یا اتاق‌هایی هستند که معمولاً در آن نور طبیعی کمی وجود دارد. «اتاق گرم»، فضای در نظر گرفته شده برای مراسم است که اجتماعات و فعالیت‌ها در آن انجام می‌شود. این اتاق تقریباً یک اتاق بزرگ است که معمولاً با در نظر گرفتن سلول‌ها یا بخش‌هایی در اطراف منطقه مرکزی، بزرگ شده و اغلب توسط یک تخته مرمر مرکزی که توسط حوضچه‌هایی که آب از آنجا تأمین می‌شود، احاطه شده است (Önge, 1978: 22).

«بخش رختکن»، فضای تعویض لباس در حمام عثمانی است که عموماً بزرگ و با گنبد پوشیده شده است. در امتداد دیوارهای رختکن، تخت‌ها و کاناپه‌هایی وجود دارد که محل استراحت و همچنین تعویض لباس بودند. ایوان‌های چوبی به ارتفاع دو یا سه طبقه وجود دارد که از طریق پله‌ها قابل دسترسی است. در قسمت پایین، نیمکت‌ها و محفظه‌های قوسی شکل کوچکی وجود دارد که کفش‌ها در آن قرار می‌گیرند (Aru, 1941: 15).

در زیرزمین رختکن، سیستم گرمایشی وجود ندارد. می‌تواند یک آب‌نما در وسط فضا به عنوان یک عنصر با طراوت وجود داشته باشد؛ همچنین در رختکن برخی از حمام‌ها اجاق‌های قهوه مرمری وجود دارد. سیستم روشنایی این مکان عموماً از طریق فانوس‌های روشن در گنبد و نیز تعداد کمی پنجره‌نما تأمین می‌شود (Eyice, 1997: 402). معمولاً روی درهای آن، مخروط‌هایی وجود دارد که به عنوان دودکش عمل می‌کنند (Aru, 1946: 17).

عناصر سازه‌ای و سیستم گرمایش در حمام‌های ترکی به طور کلی از سه بخش اصلی تشکیل می‌شوند که هر یک وظایف خاصی را بر عهده دارند. این تقسیم‌بندی شامل فضاهایی به نام «اتاق گرما» و «اتاق دما» نیز می‌شود که در ساختار این حمام‌ها به وضوح تعریف شده است. گرمایش در حمام‌های ترکی از طریق محفظه‌ای به نام «کولهان»^۱ انجام می‌گیرد.

در گذشته، چوب سوخت اصلی برای تأمین گرما بود که در محفظه آتشخانه (آشان) سوزانده می‌شد، اما امروزه علاوه بر روش‌های سنتی، سیستم‌های گرمایشی مدرن مانند سیستم‌های برقی نیز برای تأمین حرارت مورد نیاز به کار گرفته می‌شوند. ستون‌ها نیز نقش حیاتی در ساختار حمام‌های ترکی ایفا می‌کنند. این ستون‌ها نه تنها وظیفه استحکام بخشی به بنا را دارند، بلکه طراحی دقیق آن‌ها به زیبایی بصری فضا نیز کمک شایانی می‌کند (Onge, 1978: 20)

(جدول-۱): ویژگی‌های کالبدی حمام‌ها در دوره صفویه و عثمانی

حمام‌ها	دوره	اصول بهداشتی- درمانی طب	وجود سلسله‌مراتب شست‌وشو و بهداشت	مصادیق معماری
شاهزاده، علیقلی آقا، گنجعلی‌خان	صفویه	سلسله‌مراتب فضایی	ناقص	ایجاد بینه، میان در و چاله حوض، خزینه و گرمخانه
اسماعیل بیگ، مورات ۱	عثمانی	گرم‌شدن و سردشدن تدریجی بدن	کامل و با جزئیات	ایجاد ورودی و دهلیزهای پیچ در پیچ با سقف کوتاه
شاهزاده، علیقلی آقا، گنجعلی‌خان	صفویه	تهویه مناسب	ناقص	ایجاد بینه و گرمخانه‌های بزرگ با سقف مرتفع، کفسازی سنگی، جداسازی فضاهای آلوده از سایر بخش‌ها
اسماعیل بیگ، konak	عثمانی	رنگ و نور درمانی	کامل و با جزئیات	توجه به روشنائی، رنگ‌آمیزی روشن حمام- استفاده از رنگ‌های شاد در تزیینات
شاهزاده، علیقلی آقا، گنجعلی‌خان	صفویه	آب درمانی	ناقص	وجود حوضچه‌های کوچک در سربینه و خزینه‌های مختلف در حمام‌های کامل
شاهزاده، علیقلی آقا، گنجعلی‌خان	صفویه	تصویر درمانی	ناقص	استفاده از کاشی‌کاری و آجرکاری در فضاهای مختلف حمام
kucok, Konak	عثمانی	تعرق و ترطیب بدن	کامل و با جزئیات	ایجاد همزمان گرما و رطوبت در حمام به کمک گرمایش کف
شاهزاده، علیقلی آقا، گنجعلی‌خان	صفویه	انجام امور درمانی مانند حجامت	ناقص	اختصاص فضا برای خون‌گیری، احساب درصدی از فضاهای درمانی

حمام‌های ترکی که یکی از میراث مهم معماری اسلامی-عثمانی است، ترکیبی از کارکردهای بهداشتی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی را در خود جای داده‌اند؛ این بناها با

ساختار خاص و منحصر به فرد خود، همچنان الهام بخش معماری مدرن بوده و در فرهنگ‌های مختلف جایگاه ویژه‌ای دارند.

۳-۵. تزئینات حمام‌ها

معماری داخلی حمام‌های صفوی با تمرکز بر زیبایی‌شناسی ایرانی، شامل کاشی‌کاری‌های رنگارنگ، نقاشی‌های دیواری با مضامین اساطیری و استفاده از موتیف‌های^۱ گیاهی و هندسی است. این تزئینات نه تنها به فضا جلوه‌ای زیبا و هنری می‌بخشید، بلکه نشان‌دهنده ذوق هنری معماران ایرانی بود. تزئینات به‌کاررفته در معماری حمام‌های شاهزاده اصفهان، گنجعلی‌خان کرمان و علیقلی آقا از دوره صفویه و نیز ویژگی‌های معماری هریک به تفکیک در جدول (۲) آورده شده است.

حمام‌های عثمانی بیشتر بر استفاده از مواد با کیفیت مانند سنگ مرمر تمرکز داشتند. طرح‌های موزاییکی با الگوهای هندسی ساده‌تر اما ظریف، حوضچه‌های سنگی و تزئینات با نقش‌های مینیمال از ویژگی‌های شاخص این حمام‌هاست. نورپردازی از طریق نورگیرهای سقفی و استفاده از پنجره‌های کوچک نیز از دیگر ویژگی‌های بارز معماری عثمانی به شمار می‌آید. طبق مطالعات انجام‌شده، نوع مصالح و سیستم‌های سازه‌ای استفاده‌شده در ساخت حمام‌های این دوره، می‌تواند ریشه در باورها و سنت‌های پیشین داشته باشد. در حمام‌های دوره عثمانی تأکید بر استحکام بنا از لحاظ سازه‌ای وجود دارد. تلاش حاکمان این دوره بر حفظ موقعیت و جایگاه خود و البته آثار برجسته مربوط به دوره خود بوده است. به همین دلیل حمام‌های ساخته‌شده از استحکام خوبی برخوردار بوده‌اند، اما در دوره صفوی، استحکام بنا عمده‌تأ مورد توجه نبوده و بیشتر بر ویژگی‌های داخل حمام و ایجاد کارآمدی چندگانه برای حمام‌ها تأکید شده است (موسوی، ۱۳۹۵: ۳). استفاده مکرر از ملات آهکی و گچی نشانی بر همین ویژگی است.

ساختار مکانی و الگوی ساخت حمام‌های دوره صفویه تفاوت‌هایی با حمام‌های دوره عثمانی دارد. در این دوره برای ساخت و شکل‌گیری فضای عمومی حمام به عوامل محیطی خاصی توجه شده است که چنین ویژگی‌هایی را در دوره عثمانی مشاهده نمی‌شود. در مقابل سادگی نمای بیرونی، معماری داخلی حمام‌های ترکی با تزئینات ظریف و جزئیات هنری چشمگیر همراه است.

۱. الگو، نقش مایه

۲۱ | تأثیر فرهنگ و آیین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی

حکاکی‌ها، نقوش تزئینی و عناصر زیبایی‌شناختی متعددی در فضای داخلی به‌کار رفته‌اند که جلوه‌ای منحصربه‌فرد به این سازه‌ها بخشیده‌اند. سنگ مرمر، به‌دلیل خواص فیزیکی و زیبایی‌شناختی یکی از مصالح اصلی مورد استفاده در این حمام‌ها محسوب می‌شود. از آنجاکه فضای گرم حمام ترکی میزان بالایی از رطوبت را تجربه می‌کند، مصالح مقاوم در برابر رطوبت و تغییرات دمایی برای ساخت این بخش انتخاب می‌شوند؛ درنهایت و با مقایسه حمام‌های دوره صفوی و حمام‌های دوره عثمانی باید تصریح کرد این حمام‌ها علاوه‌بر داشتن شباهت‌های ساختاری، تفاوت‌های بارزی در ابعاد فرهنگی، معماری و کارکرد اجتماعی دارند که بررسی آن‌ها می‌تواند به شناخت دقیق‌تر تأثیرات فرهنگی و تاریخی بر معماری اسلامی کمک کند.

(جدول-۲). ویژگی‌های تزئینی حمام‌های دوره صفویه

نام حمام	دوره	تصویر	ویژگی معماری	تزئینات استفاده شده
شاهزاده اصفهان	صفویه		سربینه‌های هشت و نیمه هشت- گنبد رسمی بندی-فضای چال حوض	کاشی فیروزه‌ای و گل‌های رنگی- نقاشی روی گچ
گنجعلی خان کرمان	صفویه		سربینه هشت ضلعی- حوض کوشکی شکل- ازاره بلند	کاشی هفت رنگ- مقرنس ظریف و رسمی بندی پرکار
علیقلی آقا	صفویه		وجود فواره و جوی آب- تأمین آب از زاینده‌رود	نقوش اسلیمی کاشی کاری و نقوش گیاهی آهک‌بری

۶. ارتباط فرهنگ و آیین‌های عامه با معماری حمام‌های صفویه و عثمانی

حمام‌ها در دوره صفویه علاوه‌بر کارکرد بهداشتی و طهارت، همانند سایر فضاهای عمومی روستایی و شهری چون آسیاب‌ها، قهوه‌خانه‌ها، کاروانسراها و... کارکرد اجتماعی داشته و در فرهنگ عامه و آیین‌های مردم از جایگاه خاصی برخوردار بودند؛ چنانکه معمولاً آغاز جشن‌ها همانند عروسی‌ها با حمام‌رفتن عروس و داماد برگزار می‌شده‌است.

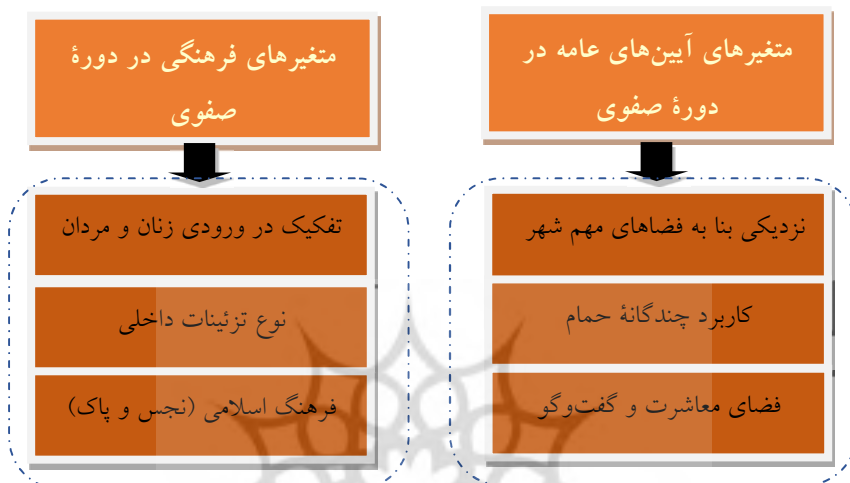
حمام‌ها که یکی از فضاهای تأثیرگذار در زیست فرهنگی- اجتماعی انسان‌ها هستند، همواره در کنار بازار، مسجد و مدرسه جزئی از اجزای اصلی شهرها بوده‌اند و معمولاً در مرکز شهر یا محله قرار می‌گرفتند تا دسترسی به آن برای همگان آسان باشد. امر استحمام برای همگان در فضای یکسان و به نحو واحدی انجام نمی‌شد، بلکه هر طبقه از مردم به

فراخور وضعیت مالی و فرهنگی خود به انحاء متفاوت استحمام می‌کردند. مردم فقیر از آب رودخانه‌ها، چشمه‌ها و نهرها برای شست‌وشو استفاده می‌کردند و مردم ثروتمند نیز از حمام‌های عمومی بهره‌مند می‌شدند (قدیری و جزء پیری، ۱۳۹۴: ۵).

حمام‌های قدیمی کار خود را معمولاً از ساعات اولیه صبح آغاز می‌کردند. برخی از حمام‌ها در ساعاتی از شبانه‌روز مردانه و در ساعاتی دیگر زنانه و برخی دیگر از حمام‌ها یا زنانه و یا مردانه بودند. نشانه حمام‌های مردانه لنگی بود که آن را می‌تاییدند و دولا می‌کردند و به چفت در ورودی می‌آویختند. حمام زنانه نیز اغلب در داخل کوچه قرار داشت و در مقابل آن پرده ضخیمی آویزان می‌کردند (ستوده، ۱۳۸۲: ۳۰). کار گرمابه با نواختن بوق حمام آغاز می‌شد. بوق حمام را هر سحرگاه به صدا در می‌آوردند تا به این وسیله بازشدن حمام را به اطلاع مردم برسانند. بوق‌های حمام در دو نوبت به صدا در می‌آمد؛ یک نوبت برای اعلام بازشدن حمام و نوبت دیگر برای اینکه به مردم اطلاع داده شود که حمام مردانه به زنانه تبدیل شده است یا به اصطلاح نوبت حمام زنانه است. زمانی که آب تازه داغ می‌شد، حمام‌دار، در حمام را با آوایی مذهبی که اغلب در شور خوانده می‌شد باز می‌کرد و به سراغ بوق حمام رفته و آن را به سه شکل اجرایی به صدا در می‌آورد. حمام‌های زنانه و مردانه از لحاظ معماری چندان تفاوتی نداشت؛ تنها در دوره صفویه، ورودی و درگاه گرمابه‌های عمومی، بنا به مردانه و زنانه بودن متفاوت بود. ورودی گرمابه مردانه، در محل رفت‌وآمد عمومی قرار داشت و سردر آن بلند و با نقاشی‌هایی از نبرد رستم و سهراب مشخص می‌شد. ورودی گرمابه‌های زنانه به گونه‌ای بود که صداهای داخل گرمابه زنانه که بسیار مشهود بود به گوش نامحرمان نرسد. در تمام گرمابه‌های عمومی که هنوز دایر است یا بازسازی شده‌اند، این نکته مهم مشهود است که راهرویی برای بخش زنانه تا قسمت سربینه احداث شده است (لطفی و مسجدی، ۱۳۹۳: ۷۹).

حمام‌های عثمانی تنها ساختمان‌هایی کاربردی نبودند، بلکه یکی از بخش‌های مهم زندگی اجتماعی به شمار می‌رفتند. آن‌ها دلالت‌های نمادین بوده و بیانی از معانی و مفاهیم وجودی را ارائه می‌کردند (Büyükdigan, 2003: 617). در زمان امپراتوری عثمانی حمام‌های زیادی ساخته شد. غیر از وجود حمام‌های متعدد در بازارهای عمومی، حمام‌های خصوصی در کاخ‌ها و عمارت‌ها وجود داشت. تعداد زیاد حمام‌ها در دوره عثمانی به این دلیل بود که آن‌ها ساختمان‌هایی بودند که درآمد خوبی داشتند. به همین دلیل منبع درآمدی برای کارهای خیریه محسوب می‌شدند. در این راستا

بسیاری از حمام‌های مهم در آن زمان به این دلیل که درآمدزایی مناسبی نداشتند، تخریب شده و از بین رفتند. حمام‌ها در عین حال به افرادی که در مراکز اجتماعی چون مسجد گرد هم می‌آمدند، خدمت می‌کردند (Eyice, 1997: 430).



بیشتر حمام‌های بازار عثمانی به صورت حمام دوتایی (حمام مضاعف) ساخته می‌شد. درهای ورودی حمام مردانه و زنانه به یک خیابان باز نمی‌شدند. زمانی که ساختمان یک حمام واحد بود، زمان‌هایی که برای مردان یا زنان خدمت می‌کرد، با رنگ حوله‌ای که روی در آویزان بود، قابل درک بود. این حمام‌ها «کوشلوک» نامیده می‌شدند (Cingöz, 1994: 399).

در دوره عثمانی، حمام جدای از عملکرد شست‌وشو، به مثابه یک فضای اجتماعی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ این ویژگی بیشتر زمانی ظاهر می‌شد که حمام‌ها متعلق به زنان بود. حمام‌ها مکان‌هایی بودند که زنان نظافت و نظم خود را به بهترین نحو نشان می‌دادند. به همین دلیل غذاها، شربت‌ها و بسته‌های حمام با دقت تهیه می‌شد. پس از اتمام فرایند شست‌وشو، غذایی که روی سنگ آورده می‌شد خورده می‌شد (Ibid).

در آئینی دیگر، در مراسم غسل نفاس که در روز چهارم پس از تولد کودک انجام می‌شد، آشنایان به حمام دعوت می‌شدند؛ روز غسل از قبل در میان آشنایان تعیین شده و مقدمات بر این اساس آغاز می‌شد؛ غذا و حلوا و شربت به مهمانان تقدیم می‌شد. زن پس از حمام زایمان در حوله‌های قهوه‌ای پیچیده شده و لباسی ابریشمی می‌پوشید و در مقابل مهمانان حاضر می‌شد.

دایه پس از شستن، کمر زن نفاس را با کمر بند ضخیم می پیچید و با فرو بردن دست، آب را از سر او می ریخت. پس از این فرایند، نوزاد را در یک دستمال پیچیده و در قسمت گرم حمام می شستند، تخم تازه اردک را به بدنش می زدند و دعا می خواندند (Ibid).

(جدول ۳-): ساختار حمام و ویژگی های آن در فرهنگ و معماری عثمانی

نام حمام	فرهنگ غالب	فرهنگ اسلامی	فرهنگ سلامت در حمام			ساختار حمام فضایی جمعی
			فضای معاشرت	حرارت بالا	رطوبت بالا	
ته تاکله	یونانی	ندارد	دارد	+	+	ندارد
مورات ۱	ایرانی-عربی	دارد	دارد	+	+	دارد
مورات ۲	ایرانی-عربی	دارد	دارد	+	+	ندارد
اسماعیل بیگ	رومی	ندارد	ندارد	+	+	دارد
kucuk	ایرانی	دارد	دارد	+	+	دارد
konak	یونانی-رومی	ندارد	دارد	-	+	دارد

پدیده «حمام های شفابخش» نیز به دلیل شفابخش بودن آب حمام ها در برخی نواحی پدید آمد. حمام ریخته گری^۱ را می توان برای مثال ذکر کرد. در آن زمان اعتقاد بر این بود که این حمام برای بیماری یرقان مفید است (Ibid, 415). مردم ترکیه همچنین برای فواید درمانی، حمام هایی را در نزدیکی چشمه های آب گرم معدنی می ساختند، این مکان ها بیشتر شامل استخرهایی برای حمام بودند. عثمانیان حمام ها را مکان هایی برای اشتراک شادی و غم می دانستند و آن ها را به مکان های سرگرمی برای رویدادهایی مانند عروسی، ختنه و تولد تبدیل می کردند؛ حمام ها همچنین محل تجمع شعر و منبع الهام شاعران بوده است. ساختار فیزیکی حمام ها، اشیاء مورد استفاده و رویدادها و سرگرمی های جالبی که در آنجا رخ می داد، به مضمونی در شعر عثمانی، به ویژه در ژانر شعری به نام «حمامیه» تبدیل شد. این اشعار بیشتر در قالب غزل و معمولاً به سبک عاشقانه و غنایی توسط شاعران مختلف سروده می شد، اما از ساختار سلسله مراتبی پیروی می کرد که شامل معرفی نام حمام، برهنه شدن معشوق، معرفی عناصر مختلف حمام، لباس پوشیدن و ترک حمام بود (Akkese, 2017: 133).

1. Dökmeciler Bath

عبارت حمام ریخته گری در حمام های ترکی به بخشی از حمام اشاره دارد که در آن آب گرم و بخار به طور یکنواخت در فضا پخش می شود؛ به طوری که بدن کاملاً گرم و آماده برای مراحل بعدی حمام مانند کیسه کشی و ماساژ می شود.

دیدنی‌ترین قسمت این حمام‌ها رختکن بود. این مکان شامل دو یا سه طبقه ایوان‌های چوبی بود که در آن سکوها برای بزرگی وجود داشت که با ستون‌هایی احاطه شده بودند. قسمت‌های نشستن در این سکوها برای افراد فقیر در نظر گرفته شده بود. برای آویزان کردن لباس‌ها از چوب‌های گرد چوبی که بین تیرها قرار می‌گرفت استفاده می‌شد. در گوشه‌های این ایوان‌ها، پارتیشن‌های چوبی وجود داشت. این مکان‌ها برای مشتریان ثروتمند در نظر گرفته شده بود تا لباس بپوشند. از چوب‌های گردی که بین ایوان‌های بالایی قرار داشت نیز برای خشک کردن پارچه‌هایی که به کمر می‌بستند استفاده می‌شد. علاوه بر این اجاقی داخل دیوار تعبیه شده بود که برای دم کردن قهوه یا چای استفاده می‌شد (Arseven, 1973: 102). تلک‌ها (دلک‌ها)، تاثیرها و کولهایس‌ها گروه‌هایی بودند که به مشتریان ورودی خدمت می‌کردند. تلک‌ها یا تلک‌ها (دلک‌ها) افرادی بودند که مشتریان مرد را می‌شستند و تاثیرها متصدیانی بودند که مشتریان زن را می‌شستند.



حمام‌های ترکی، ارتباط نزدیکی با فرهنگ ترکی دارند. این حمام‌ها که بخشی ضروری از زندگی اجتماعی و نماد فرهنگی بودند، با دیوارهای تزئین‌شده و ساختار گنبدی خود در اواسط قرن پانزدهم، با ترکیبی از شیوه‌های حمام سستی ترکی و فرهنگ حمام آناتولی ظهور کردند، که علاوه بر استفاده برای استحمام، نظافت و مصارف دارویی، محل فعالیت‌های مختلف مانند خواستگاری، حمام عروس و داماد و سرگرمی بودند. بیشتر حمام‌های عمومی در طول روز مختص زنان بود؛ در حالی که بخش‌های جداگانه‌ای برای زنان و مردان در «حمام‌های دوتایی» واقع در بازارها وجود داشت. حمام‌های زنانه محل تجمع زنان و جایی بود که آن‌ها با هم معاشرت می‌کردند، خود را زیبا ساخته و از رویدادهای جاری مطلع

می‌شدند. حمام‌ها نه تنها برای نظافت جسمانی مهم بودند، بلکه برای حفظ سنت‌ها و توانمند ساختن زنان برای فعالیت‌های فراغت خارج از خانه نیز اهمیت داشتند. فرهنگ حمام به دلیل فواید سلامتی‌اش شناخته شده است؛ زیرا آب گرم و صابون به کار رفته در حمام، بدن را تمیز و آرام می‌کند، گردش خون را بهبود می‌بخشد و حس شادابی را ایجاد می‌کند (Apaydin, Basa, 2009: 207).

۷. نتیجه‌گیری

سازه‌های حمامی که از دیرباز تاکنون مکان‌هایی برای نظافت و پاکیزگی بودند، همواره برای هر تمدنی از اهمیت بالایی برخوردار بوده‌اند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، عوامل فرهنگی در دو تمدن بزرگ صفویه و عثمانی تأثیر عمیقی بر معماری و ساختار حمام‌های این دوره‌ها داشته‌اند. در دوره عثمانی، بیشترین تمرکز فرهنگی بر موقعیت مکانی بخش‌های زنان و مردان بود، به گونه‌ای که مراسم‌های فرهنگی مانند ازدواج یا جشن تولد در فضاهای خاصی از حمام‌ها برگزار می‌شد. در مقابل، در دوره صفویه، تمرکز اصلی بر استفاده‌های کاربردی‌تر و اجتماعی فضاهای حمام بود. در این دوره، مسائل دینی و مذهبی مانند اصول محرمیت، تفکیک ورود و خروج زنان و مردان و رعایت حریم خصوصی، تأثیر قابل توجهی بر موقعیت مکانی و ساختاری حمام‌ها داشتند.

در دوره صفویه، توجه به ابعاد معنوی و انسانی نیز مشهود بود. استفاده از رنگ‌ها، تزیینات، مقرنس‌ها و اختلاف سطوح در معماری حمام‌ها، نشان‌دهنده تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی انسان بود. این در حالی است که در معماری حمام‌های عثمانی، چنین توجهی به ابعاد معنوی کمتر دیده می‌شود. در کل، فرهنگ نقش تعیین‌کننده‌ای در آرایش فضایی حمام‌های این دو دوره داشته است؛ برای مثال، در فرهنگ اسلامی، حرمت زنان و ضرورت پوشیدگی آن‌ها از چشم نامحرم، منجر به ایجاد بخش‌های جداگانه زنان و مردانه یا ورودی‌های مجزا برای هر جنسیت در حمام‌ها شد. در برخی موارد نیز ساعت استفاده زنان و مردان از حمام متفاوت بود. این تفکیک‌ها باعث شد تا در آرایش فضایی بخش‌های زنان و مردانه، تفاوت‌هایی مبتنی بر عقاید اسلامی ایجاد شود؛ از این رو، می‌توان گفت که فرهنگ دینی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر مدل آرایش فضایی حمام‌ها داشته است.

علاوه بر این، آیین‌های عامه نیز نقش مهمی در شکل‌گیری معماری حمام‌های ایرانی و عثمانی ایفا کرده‌اند. این آیین‌ها در آرایش فضایی حمام‌ها تأثیرگذار بوده و تفاوت‌های قابل

تأثیر فرهنگ و آئین‌های عامه بر معماری حمام‌های دوره صفویه و عثمانی | ۲۷

توجهی بین دو تمدن ایجاد کرده‌اند. از آنجا که مردم ایران و عثمانی هر دو مسلمان بودند، معماری حمام‌های آن‌ها از فرهنگ‌های مشابه تأثیر پذیرفته و اشتراکات زیادی در این زمینه وجود دارد؛ با این حال، تفاوت‌های آیین‌های عامه در دو تمدن، منجر به تفاوت‌هایی در معماری حمام‌ها شده است. در کل، می‌توان گفت که آیین‌های عامه و فرهنگ دینی دو عامل کلیدی در شکل‌گیری معماری حمام‌های صفویه و عثمانی بوده‌اند.

(جدول-۴): نتیجه‌گیری

تفاوت‌ها با دوره (صفویه - عثمانی)	شباهت‌ها با دوره (صفویه - عثمانی)	تأثیر آیین‌های عامه	تأثیر فرهنگ دینی	حمام
استفاده از رنگ‌های روشن	نزدیکی بنا به فضای آموزشی	ندارد (استفاده شخصی شاه)	تفکیک فضایی بخش زنان و مردان	شاه
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	نزدیکی بنا به فضاهای آموزشی	دارد (تعییه فضاهای اجتماعی در حمام - نقش طب سنتی)	ورودی مجزا زنان و مردان	شاهزاده
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	استفاده از روزنه‌های نورگیر	دارد (تعییه فضاهای اجتماعی در حمام - نقش طب سنتی)	اختلاف سطح داخل و خارج	علیقلی آقا
نقش پررنگ طب سنتی در حمام - به‌کارگیری رنگ‌های روشن	استفاده از روزنه‌های نورگیر	دارد (تعییه فضاهای اجتماعی در حمام - نقش طب سنتی)	اختلاف سطح داخل و خارج - ورودی مجزا زنان و مردان	گنجعلی خان
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	استفاده از روزنه‌های نورگیر	تعییه فضایی و تفرجی و استراحتگاهی	ورودی همگانی	کم ته تاکله
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	استفاده از روزنه‌های نورگیر	تعییه فضایی و تفرجی و استراحتگاهی	ورودی همگانی	کم مورات ۱
استفاده از رنگ‌های روشن	استفاده از روزنه‌های نورگیر سقفی	تعییه فضایی و تفرجی و استراحتگاهی	اختلاف سطح داخل و خارج	کم مورات ۲
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	استفاده از روزنه‌های نورگیر سقفی	استفاده از مصالح بوم‌آورد	ورودی همگانی	کم اسماعیل بیگ
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	استفاده از روزنه‌های نورگیر سقفی	تعییه فضایی تفرجی و استراحتگاهی	اختلاف سطح داخل و خارج	کم kucuk
نقش پررنگ طب سنتی در حمام	نزدیکی بنا به فضای آموزشی	استفاده از مصالح بوم‌آورد	ورودی همگانی	کم konak

فهرست منابع

قرآن کریم

- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵)، *دعائم الاسلام*، ج ۱، چاپ اول، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام.
- حائری، رضا و طبسی، محسن (۱۳۹۶)، «بررسی نقش طب سنتی در معماری حمام‌های تاریخی دیروز و مراکز آب درمانی امروز»، *فقه و تاریخ تمدن*، (۱۴) ۵۳، ص ۹۹-۱۱۵.
- دیواندری، جواد و دانائی نیا، احمد و صیادی، مهدی و امامی میبدی، مرضیه (۱۳۹۵)، «مزاج به مثابه کهن الگو در طراحی معماری حمام ایرانی»، *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۳ (۱۲)، ص ۵۷-۷۶.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۲)، «حمام در خاطرات من»، *کتاب ماه هنر*، ۵۷، ۵۸، ص ۳۰-۳۳.
- صابری نهر فروزانی، احمد (۱۳۹۸)، «آیین حمام تحقق منظرآیینی حمام ایرانی در دوران اسلامی از خلال متون، ساختار حمام و نقوش تزئینی (نمونه موردی: نقوش و مظاهر آیینی: حمام گنجعلی خان کرمان)»، *هنر و تمدن شرق*، ۲۵، ص ۳۵-۴۲.
- فیاضی، عمادالدین و توکلی زاده، محمد (۱۳۹۲)، «کارکرد اجتماعی و سیاسی گرمابه در دوره صفوی»، *مسکویه*، ۲۴ (۸)، ص ۱۱۳-۱۳۲.
- قدیری مقدم نیاری، حمید و جزء پیری، علیرضا (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای فضاهای حمام‌های عمومی ایرانی - اسلامی با حمام های عثمانی»، *دومین کنگره علمی پژوهشی افق های نوین در حوزه مهندسی عمران، معماری فرهنگ و مدیریت شهری ایران*.
- کاظمی مهروش و بایبوردی، مهسا (۱۳۹۸)، «نقش آیین گذار در ساختار کالبدی حمام‌های عمومی ایران»، *باغ نظر*، ۱۶ (۷۹)، ص ۳۹-۵۰.
- لطفی، علیرضا و مسجدی، حسین (۱۳۹۳)، *فرهنگواره گرمابه با رویکرد به حمام‌های اصفهان*، تهران: کتاب آبان.
- موسوی، منیر سادات (۱۳۹۵)، «معماری و تزیینات حمام شاه عباس صفوی و مرمت آن از دوران صفویه تاکنون»، *کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*.
- ناصرالحکما، میرزا علیخان (۱۳۸۷)، *حفظ صحت، تصحیح ناصر رضایی‌پور و محسن عابدی*. تهران: المعی.
- هژبر، مهدیه سادات و صفاران، الیاس و حاتم، غلامعلی (۱۳۹۳)، «ارزش‌های هنری و کاربردی معماری حمام‌های سنتی ایران»، *رشد آموزش هنر*، ۳۸، ص ۱۸-۲۱.

Aaland, M. (1978), *Sweat: the illustrated history and description of the Finnish sauna, Russian bania, Islamic hammam, Japanese mushi-buro, Mexican temescal, and American Indian & Eskimo sweat lodge*: Capra Press.

- Akkse, A. (2017), "Gjdehyim de kendimi bir çiğneteyim yabancı seyyahlara göre osmmanli hamam kültürü", *Journal of Ottoman Legacy Studies (JOLS)*, 4(8), pp. 133-149.
- Apaydın başa, B. (2009), "Türk hamam kültürünün Spa & wellness mekânlarının tasarımına etkileri", *Zeitschrift für die Welt der Türken/Journal of World of Turks*, 1(1), pp. 207-220
- Arseven, C. E. (1973), *Türk sanatı* (Turkish art), Cem Yayınevi, İstanbul, Turkey.
- Aru, K. A. (1941), *Türk Hamamları Etüdü, (Doçentlik Tezi), İstanbul Teknik Üniversitesi, Matbaacılık, T.A.O, s. 10. İstanbul.*
- Büyükdigan, I. (2003), "A critical look at the new functions of Ottoman baths", *Building and Environment*, 38(4), pp. 617-633.
- Büyükkol, S., & Arda, Z. (2016), "Türk kültüründe hamam geleneği ve resim sanatına yansımaları", *İdil Sanat ve Dil Dergisi*, Vol 5, Issue 27, pp.2047-2062
- Caskey, J. (1999), "Steam and Sanitas" in the Domestic Realm: Baths and Bathing in Southern Italy in the Middle Ages", *The Journal of the Society of Architectural Historians*, 58(2), pp. 170-195.
- Cingöz, M. (1994), "Hamam gelenekleri" (Hammam traditions), In: Dünden Bugüne İstanbul Ansiklopedisi Cilt: 3, Tarih Vakfı Yayınları, İstanbul, Turkey
- Durukan, A., Kiliç, S., & Tuncer, H. (2020), "The Architecture of the Antalya Pazar Baths and a Suggestion of Experiential Marketing Modules for its Re-functioning as a Shopping Space", *Cedrus*, 8, pp. 659-673.
- Eyice, S. (1997), "Hamam (tarih ve mimari)", *türkiye diyanet vakfı islam ansiklopedisi. cilt 15. İstanbul: türkiye diyanet vakfı yayınları*, pp. 402-430.
- Ilicak, N. G. (2020), "Kültürel bir değer olarak hamam ve efsanelerde kullanilişi", *Journal of History School(XLVIII)*, pp. 3581-3603
- Kaçmaz, E. (2020), "Turkish baths and their functions as represented in the memoirs of Westerners", *RumeliDE Dil ve Edebiyat Araştırmaları Dergisi*(20), pp. 616-625
- Kayserili, A., & Korkusuz, T. (2018), "Erzurum şehrinde hamamlar ve hamam kültürünün kültürel coğrafya analizi", M. Küçükuğurlu, U. Akbulut & N. Ürkmez. *Osmanlı hakimiyetinin 500. ve Kurtuluşun 100 Yılında Uluslararası Erzurum sempozyumu bildiriler kitabı*, pp. 457-476.
- Oğulcan, A. (2022), "Türk hamamı mekânları üzerine terminolojik bir yaklaşım", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi*, 62(2), pp. 1691-1720.
- Önge, Yılmaz (1978), "Eski türk hamamlarında aydınlatma", *Vakıflar Dergisi*, 12 (1978), pp. 125-135.
- Reyhan, K., İpekoğlu, B., & Böke, H. (2013), "Construction techniques of domes in some Ottoman baths", *Journal of Cultural Heritage*, 14(3), e35-e40.
- Savaş, S. (2007), *İstanbul, kumkapı-nişanca köşklü hamamı (1887) araştırması ve restorasyon projesi*, Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi.
- Vitruvius ,M. P. (1960), *The ten books on architecture*, translated by Morris Hicky Morgan, Cambridge: Harvard university Press.
- Yegül, F. K., & Foundation, A. H. (1992), *Baths and Bathing in Classical Antiquity*, New York, NY, Cambridge, MA and London: Architectural History Foundation and MIT Press.
- Yenice, T. K., & Ararat, M. (2022), "Turkish bath tradition: The example of Gaziantep", Turkey, *The International Journal of Intangible Heritage*, 17, pp. 198-210.

Transliteration

- Bakhtin, Mikhail (Fall 2017). An Introduction to the Sociology of Literature, Mohammad Jafar Poyandeh, Second Edition, Tehran, Chešmeh Publishing House.
- Beizaei, Bahram (1979), Four Boxes, Roozbahan Publishing House, Tehran.
- Beizaei, Bahram (1965), Theatre in Iran, kavian Publishing, Tehran.
- Taslim Jahromi, Fatemeh and Yahya Talebian (2011). THE COMBINATION OF INCONSISTENT FEELINGS IN SATIRE OR HUMOR ON PERSIAN LANGUAGE (A CASE STUDY: PARVIZ E SHAPOOR S CARICALAMATURES), Journal of Literary Techniques, University of Isfahan, Vol. 3, No. 1 (4th issue).
- Thomson, Philip John (1980), The grotesque, translated by Gholamreza Emami, Shiraz, Šivā.



The effect of popular culture and traditions on the architecture of Safavid and Ottoman bathhouses

Extended Abstract

Throughout history, historical structures, particularly bathhouses, have served as multifunctional spaces that not only provided hygiene and purification services but also played a pivotal role in the cultural, social, and ritualistic life of various civilizations. This study explores the influence of folk culture and popular rituals on the architecture of bathhouses during the Safavid and Ottoman periods, with a focus on identifying the similarities and differences between these two civilizations in their architectural responses to folk customs and practices. The Safavid era, known for its flourishing in Iranian architecture and associated arts, marked the pinnacle of bathhouse design, construction, and decoration. During this period, bathhouses were not only seen as places of hygiene but were also integral to the social fabric, playing a significant role in public rituals, much like other public spaces such as mills, coffeehouses, and caravanserais. Bathhouses became key sites in folk culture, with notable involvement in public ceremonies such as weddings, where the bride and groom's visit to the bathhouse often marked the beginning of the celebrations. Bathhouses, as influential spaces in the socio-cultural life of communities, were generally located in central urban areas, near markets, mosques, and schools, ensuring easy accessibility for the public. This strategic placement within cities underscored the importance of these structures in daily life. In the Ottoman Empire, bathhouses similarly functioned as more than mere hygienic facilities. They were central to the social life of the time, with numerous bathhouses being constructed, ranging from public baths within marketplaces to private ones found in palaces and aristocratic mansions. The significant number of bathhouses in the Ottoman period can be attributed to their profitable nature, as these spaces were considered valuable sources of income and, consequently, often endowed to charitable causes. Furthermore, bathhouses in the Ottoman Empire served as important social hubs, facilitating interactions among individuals who gathered in places like mosques. Given the historical, religious, and cultural similarities between the Safavid and Ottoman periods, this study aims to compare and contrast the architectural characteristics and functions of bathhouses in these two civilizations. The research findings reveal that, in the Ottoman Empire, considerable attention was paid to the spatial organization of the male and female sections of bathhouses, as well as their use in cultural ceremonies such as weddings and childbirth. Specific areas within the bathhouses were designed and dedicated for such events, providing a clear distinction between ceremonial functions and ordinary bathing practices. Conversely,

during the Safavid period, bathhouses reflected not only social functions but also religious and moral considerations, such as the principles of privacy and the separation of spaces for men and women. This architectural design was influenced by the period's broader religious and ethical values, which emphasized modesty and proper conduct. In addition to addressing the social and hygienic needs of the population, the architecture of Safavid bathhouses also considered the spiritual and humanistic dimensions of the bathhouse experience. Features such as color schemes, ornamental decorations, muqarnas (intricate vaulted designs), and variations in ceiling heights were incorporated into the bathhouse design to enhance the visitors' spiritual experience, addressing both physical and emotional needs. Such attention to the spiritual and aesthetic dimensions, however, was not as prominent in the architecture of Ottoman bathhouses. The Ottoman design approach focused more on functional and social aspects, with less emphasis placed on creating a spiritually enriching environment.

Despite these differences, there were significant cultural and religious commonalities between the two civilizations, particularly in their emphasis on gender segregation within bathhouses. Both the Safavid and Ottoman societies placed great importance on maintaining separate spaces for men and women, reflecting shared religious values and social norms regarding modesty and privacy. These commonalities in architectural practice can be seen as a result of the similar Islamic cultural and religious frameworks that influenced both empires. However, despite the overarching similarities in cultural and religious values, the divergent folk customs and practices in each civilization led to noticeable differences in the spatial and functional arrangements of the bathhouses. The study concludes that folk culture and popular rituals were critical in shaping the architectural design of bathhouses during the Safavid and Ottoman periods. While both Iran and the Ottoman Empire were Islamic societies and shared many cultural influences, the specific folk traditions and ritualistic practices in each society led to distinct architectural outcomes. The bathhouses in both civilizations were not simply utilitarian structures but served as integral parts of the social and cultural fabric of their respective societies. Folk rituals, religious beliefs, and cultural practices were instrumental in determining how these spaces were designed, organized, and used. Thus, it can be asserted that both folk culture and religious rituals played a crucial role in the architectural development of bathhouses in the Safavid and Ottoman periods, shaping their spatial layouts, decorative elements, and functional significance.

Keywords: Bathhouse Architecture, Safavid Bathhouses, Ottoman Bathhouses, Folk Culture, Popular Rituals, Cultural Influences, Islamic Architecture.